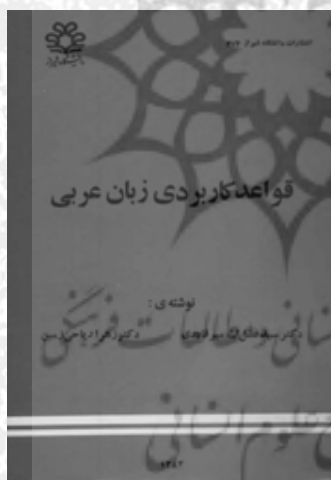


نگاهی به کتاب

# قواعد کاربردی زبان عربی

حسین کیانی\*



\* قواعد کاربردی زبان عربی

\* نوشته زهرا ریاحی زمین و فضل الله میرقادری

\* انتشارات دانشگاه شیراز،

چاپ اول، ۱۳۸۴

چیزی که امروزه متخصصان آموزش زبان بر آن تأکید دارند، آموزش قواعد کاربردی زبان است، متأسفانه آموزش زبان بدون توجه به کاربرد آن امری است که در دانشگاه‌های کشور رواج دارد. سالانه شاهد نشر کتاب‌های صرفی و نحوی زیادی هستیم که در آنها از نوآوری خبری نیست و چیزی به این علم نمی‌افزایند. هر چند در سال‌های اخیر کتاب‌هایی در زمینه کاربردی کردن دستور زبان عربی نوشته شده است که تا حدی انتظارات را برآورده ساخته و از بار مشکلات کاسته است، اما هنوز جای خالی کتاب‌هایی روشمندتر در این زمینه به خوبی احساس می‌شود. یکی از کتاب‌هایی که در زمینه قواعد کاربردی زبان عربی

فراوانی منابع و آثار تألیفی در زمینه صرف و نحو عربی یکی از عوامل مشکل‌ساز در رشته زبان و ادبیات عربی است، بیشتر کتاب‌های تألیفی در صرف و نحو عربی در دهه‌های اخیر نوعی رونویسی از کتاب‌های سنتی بوده‌اند و از روش تحقیق علمی و نوآوری در آنها خبری نیست. مثال‌های قدیمی و بی‌روح و پرهیز از آوردن مثال‌های جدید و امروزی از مشخصه‌های آشکار این کتاب‌ها است. افزون بر این، مدتی جریان ترجمه کتاب‌های پرآوازه صرف و نحو عربی و بازار داغ این جریان، جیب‌های تاجران علم را پر از سکه‌هایی کرد که صدایشان امکان شنیدن نقدها را مشکل می‌ساخت.

تألیف شده است کتابی است با همین نام، نوشته: دکتر سید فضل‌الله میرقادی و دکتر زهرا ریاحی زمین. این کتاب در سال ۱۳۸۴ در ۴۲۷ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه برای نخستین بار به همت دانشگاه شیراز به چاپ رسیده است.

از آنجا که نگارنده این نوشتار سال‌ها به تدریس صرف و نحو برای رشته‌های مختلف پرداخته است و تا حدودی بر مشکلات این درس آگاه است و از آنجا که معتقد است هرچه اثری پیراسته‌تر باشد، مقبول‌تر خواهد بود، به پاره‌ای از ویژگی‌ها و کاستی‌های این کتاب اشاره می‌کند، امید است که این بررسی‌ها در پیراستگی چاپ‌های بعدی سودمند افتد.

این کتاب شامل یک پیشگفتار ۶ صفحه‌ای و ۴۷ درس است و افزون بر این از کتابنامه‌ای از منابع و مآخذ برخوردار است. طرح جلد، نسبتاً مناسب و مزین به نشان (آرم) دانشگاه شیراز است. عنوان کتاب با خط درشت در زمینه آبی است و در قسمت پایین جلد، سال چاپ نوشته شده است. اگرچه رنگ آبی جلد آرامش‌بخش و ویژه‌ای به مخاطب می‌دهد ولی پیشنهاد می‌شود در چاپ بعدی تصویر یا جملاتی در زمینه زبان عربی به عنوان پس‌زمینه رنگ آبی قرار داده شود و از آبی کمرنگ استفاده شود. صفحه‌آرایی مناسب، داشتن سرصفحه، و شماره صفحات، و وجود عنوان برای هر درس بر زیبایی و جذابیت کتاب افزوده است.

قبل از پیشگفتار عبارت «فهرست گنجانده‌ها» با خطی درشت، بیانگر وجود فهرست برای اثر است، اما تنها به شماره درس بسنده شده است، اگر عنوان‌ها در فهرست اضافه گردد راهنمای خوبی برای خوانندگان است. عنوان‌ها به ترتیب درس‌ها به قرار زیر است: اسم و فعل و حرف، معرب و مبنی، کلمات معرب و انواع اعراب، کلمات مبنی و انواع بناء، فاعل، نائب‌الفاعل، مبتدا و خبر، نواسخ مبتدا و خبر افعال ناقصه، حروف مشبّهة بالفعل، افعال مقاربه، حروف شبیه به لیس، لای نفی جنس، مفعول به، تعدّد مفعول به، اسم فعل، اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّهه، مصدر، فعل تعجب، تحذیر و اغراء، اختصاص، اشتغال، تنازع، منادی، استغناء، ندبه، ترخیم، مفعول مطلق، مفعول فیه، مفعول له، مفعول معه، مستثنی، حال، تمییز، عدد، کنایات، مدح و ذم، مجرورات ۱ (حروف جر)، مجرورات ۲ (مضاف‌الیه)، توابع (نعت)، تأکید، بدل، عطف بیان، عطف نسق، حروف و جمل، حکایت.

با نگاهی کلی به عنوان‌ها روشن می‌شود که ترتیب منطقی در چینش درس‌ها رعایت شده است، به گونه‌ای که در ابتدای بحث اعراب مطرح شده و در پی آن مرفوعات، منصوبات، مجرورات و توابع آمده است، اما در مورد این چینش چند نکته قابل یادآوری است: اگر تعداد درس‌های معرب و مبنی از ۳ درس به ۲ درس کاهش می‌یافت و به جای آن، درس حال در دو درس مطرح می‌شد بهتر بود و دیگر اینکه در بحث نواسخ اگر تقسیم‌بندی بر اساس عمل نواسخ یا نوع آنها بود روش منطقی‌تر به نظر می‌رسید. در ضمن بهتر است عنوان درس مستثنی به استثناء تغییر یابد.

در پیشگفتار پس از مطالبی در مورد فراوانی کتاب‌هایی با نام‌های گوناگون در صرف و نحو عربی، پرسشی در مورد نیاز جامعه به تألیف کتاب صرف و نحو مطرح شده است. مؤلفان محترم نوشته‌اند: «با وجود کتاب‌های فراوان صرف و نحو عربی آیا باز هم برای نگارش کتاب دیگر مجالی است» (ریاحی زمین، ۱۳۸۴: ت). ایشان نظر خود را در موفق نبودن این کتاب‌ها بیان کرده و بر این باورند که باید روش از شکل غیرکاربردی به کاربردی تغییر یابد بنابراین به دفاع از آموزش کاربردی قواعد زبان عربی برای فهم متون پرداخته و هدف کار خود را آموزش زبان عربی با بیانی ساده و دقیق و به شیوه‌های کاربردی بیان کرده‌اند.

در ادامه پیشگفتار، ویژگی‌های کتاب بدین شرح دسته‌بندی شده است:

- ۱- آموزش قواعد به صورت غیرمستقیم و فشرده ضمن تحلیل نمونه‌ها و تطبیق‌ها
- ۲- تأکید بر زیادی نمونه‌ها و مثال‌ها
- ۳- تدریس صرف در ضمن نحو
- ۴- ترجمه جملات کتاب توسط دانشجو زیر نظر استاد
- ۵- حذف مباحث تکراری‌ای که دانشجویان در دوران دبیرستان آموخته‌اند.

در پایان پیشگفتار به دو نکته دیگر نیز اشاره می‌شود نخست اینکه روش تدریس این کتاب دانشجو محور و مبتنی بر شیوه اکتشاف و بحث و گفت و شنود است و همیاری فعالانه دانشجویان در امر تدریس می‌تواند زمینه مناسب‌تر آموزش را فراهم سازد، دیگر اینکه مخاطبان این کتاب همه کسانی هستند که می‌خواهند یک دوره قواعد زبان عربی را به صورت کاربردی و عینی فراگیرند،

# تدریس دستور زبان عربی با روش بررسی نمونه‌ها و تطبیق‌ها و تمرین‌ها، هدف دانشجو محور بودن کتاب را تأمین می‌کند، به گونه‌ای که در قسمت بیان با اشاره‌ای کوتاه خواننده را به تأمل در نمونه‌ها واداشته تا از طریق اکتشاف به جواب برسد.

همچون دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عربی، الهیات و معارف اسلامی، حقوق و تاریخ.

مباحث کتاب در چهار بخش ارائه شده است:

## الف - نمونه‌ها

این بخش شامل جمله‌ها و الگوهای کلی و عمده درس و دربرگیرنده مطالب اصلی درس است که فراگیر پیش از یادگیری قواعد، آنها را مشاهده و تحلیل می‌کند.

## ب - بیان

با توجه به نمونه‌ها، قواعد به صورت چکیده بیان شده. در این بخش تلاش شده است قواعدی مطرح شود که فراگیر، بیشتر با آنها سروکار دارد. قواعد مطرح شده برای حفظ نیست، بلکه تنها آگاهی از آنها موجب می‌شود که با مشاهده مثال‌ها به طور غیرمستقیم، آموزش صورت گیرد.

## ج - تطبیق

در این بخش، مثال‌هایی ارائه و تجزیه و تحلیل شده، و تلاش بر این بوده که ترتیب منطقی جمله‌ها و عبارت‌ها، از ساده به پیچیده رعایت شود و در ضمن آن نکات جدیدی تدریس شود.

## د - تمرین

در این بخش، تمرین‌های گوناگون و بسیاری وجود دارد که حل آنها بر پایه مطالب آموزش داده شده است. فراگیر، به کمک مطالبی که در بخش بیان و تطبیق آموخته است، می‌تواند تمرین‌ها را به آسانی حل کند. برای به هم پیوستگی درس‌ها نخستین تمرین در هر درس، مربوط به مطالب درس گذشته است.

## ویژگی‌های کتاب

عنوان کتاب خود دلیل بر دقت نویسندگان و پابندی آنان به باورشان در توجه به کاربردی کردن دستور این زبان است، چرا که در پیشگفتار هدف اصلی‌شان را کاربردی کردن قواعد زبان عربی

می‌دانند.

تدریس دستور زبان عربی با روش بررسی نمونه‌ها و تطبیق‌ها و تمرین‌ها، هدف دانشجو محور بودن کتاب را تأمین می‌کند، به گونه‌ای که در قسمت بیان با اشاره‌ای کوتاه خواننده را به تأمل در نمونه‌ها واداشته تا از طریق اکتشاف به جواب برسد.

- مطالب کتاب از نظم و انسجام منطقی برخوردار است، نزدیکی تنگاتنگ کتاب با ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و استشهاد فراوان به آیه‌های قرآنی و روایات و شعرهای حکمی اعتبار خوبی به اثر داده است.

- نویسندگان محترم آموزش زبان را از طریق قواعد فراموش نکرده‌اند چنانکه در آخر هر درس، به تناسب، تمرین‌هایی وجود دارد که دانشجو را در جمله‌نویسی و انشانویسی با تکیه به دستور همان درس تقویت می‌کند.

- استفاده از تمرین‌های نقطه‌چین و جواب کوتاه که مستلزم درک و فهم عمیق و کاربردی قواعد است، از ویژگی‌های برتر کتاب به حساب می‌آید.

- نمونه‌ها و تطبیق‌ها و تمرین‌های کتاب از نظر محتوا نظم ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که ترتیب آنها از ساده به سخت است. در درس‌های ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ نویسندگان با سادگی تمام با آوردن مثال‌های جدید و قابل تحلیل مطلب شبه فعل‌ها را به خوبی برای خواننده روشن ساخته‌اند.

نقاط قوت کتاب زیاد و بر پژوهشگران پنهان نیست. می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. رعایت نظم منطقی و انسجام مطالب کتاب
۲. روزآمد بودن و برخوردار بودن از نوآوری
۳. جامعیت کتاب در بیان قواعد کاربردی زبان عربی



۴. روان و رسا بودن عبارات و مطالب کتاب

۵. رعایت قواعد ویرایش و نگارش

۶. در برداشتن پیشگفتار فراگیر در بیان هدف و ویژگی و مخاطبان، و فهرست مطالب و منابع

۷. مناسب بودن کتاب برای تدریس در رشته‌های زبان و ادبیات

عربی (به‌ویژه در درس تمرین صرف و نحو)، رشته زبان و ادبیات فارسی، الهیات و معارف اسلامی، حقوق و تاریخ. البته در رشته حقوق و تاریخ بیان نمونه‌ها و تطبیق آنها کفایت می‌کند چون که در این رشته‌ها واحدهای درسی کمتری به این درس اختصاص داده شده است.

از ویژگی‌های برتر کتاب که بگذریم، خوانندگان علاقه‌مند به مباحث صرفی و نحوی در ضمن مطالعه کتاب با برخی اشکال‌های ساختاری و محتوایی برخورد می‌کنند. بیان این موارد می‌تواند در چاپ‌های بعدی اثرگذار باشد. البته حجم زیاد کتاب مانع از بیان تمامی اشکالات به‌ویژه اشکال‌های شکلی در این نوشتار شده است. در این نوشتار سعی شده که حداقل یک یا ۲ نمونه ذکر شود. یادآوری این نکته لازم به نظر می‌رسد که در این نقد و بررسی بیشتر به کاستی‌های کتاب اشاره می‌شود چون نقطه قوت کتاب بر استادان و پژوهشگران پوشیده نیست. بنابراین بیان کاستی‌ها دلیل بر نبودن نقاط قوت در این اثر نیست.

در تألیف کتاب‌های درسی دانشگاهی باید دقت کافی به کار رود تا در محتوای کتاب و سبک نگارش و حروفچینی اشکال‌های کمتری باشد. دانشجویان به کتاب‌های درسی خود اطمینان دارند؛ اگر در کتاب، غلط‌های چاپی و محتوایی باشد اعتماد دانشجویان به آن کم می‌شود. اشتباهات حروف‌نگاری در این اثر قابل چشم‌پوشی نیست و عدم بهره‌گیری از تنوع و ضخامت قلم‌ها روشن است.

نداشتن رویه ثابت در نقطه‌گذاری «یاء» بزرگ یکی از اشکالات چاپی کتاب است، اصولاً در کتاب‌های چاپ مصر، مانند کتاب‌های چاپ ایران «یاء» بزرگ بدون نقطه نوشته می‌شود، نقطه‌گذاری «یاء» بزرگ در کشورهای دیگر همچون لبنان و عراق مرسوم است. این امر در مورد شیوه نگارش قرآن استثناء است و در آن هیچ‌گاه «یاء» بزرگ نقطه‌گذاری نمی‌شود (رک. قدوری الحمد، غانم، ۱۴۰۲: ۵۵۶). عدم نقطه‌گذاری در خصوص تاء مربوطه نیز در کتاب مورد بحث مشهود است. همچنین در علائم همزه وصل و قطع، قانون

ویژه‌ای بر کتاب حاکم

نیست، گویی کار به سلیقه

حروفچین گذاشته شده است.

چینش نامنظم نمونه‌ها و تمرین‌ها و

تطبیق‌ها، یکی دیگر از اشکال‌های کتاب است، به طوری که بعضی از جملات شماره‌گذاری نشده یا به فاصله کمی روبه‌روی هم نوشته شده‌اند. این امر باعث خستگی و ملالت خواننده می‌شود.

هرچند استفاده از شعر شاعران از امتیازات این کتاب است ولی در مورد استفاده از شعر عربی ذکر چند نکته ضروری است:

۱- شعرها بر اساس فرمول ویژه شعر خود تنظیم نشده است، بنابراین گاهی فرق بین شعر و نثر در کتاب مشخص نیست. (رک، صفحه ۱۴۸، تمرین پ، شماره ۱)

۲- با توجه به اینکه در پیشگفتار گفته شده است که کتاب برای تدریس رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، الهیات، حقوق و تاریخ مناسب می‌باشد. بنابراین اگر تمام شعرها در قسمت تمرین قرار داده شود بهتر است، چرا که بررسی نقش اعرابی بعضی از کلمات شعر در متن درس خارج از حوصله دانشجویان این رشته‌ها است.

۳- در بیشتر موارد به سراینده‌گان شعر یا منبع مورد استفاده اشاره‌ای نرفته است. اگر یکنواختی در این امر وجود داشته باشد بهتر است. (رک، ص ۶۸ قسمت ب و ت از تطبیق ۲ و ص ۱۲۰ قسمت پ و ت از تطبیق ۲ و ص ۱۵ قسمت الف از نمونه‌ها).

۴- در آخر بعضی از درس‌ها صفحه‌های سفیدی وجود دارد که ضروری به نظر نمی‌رسد شاید به این خاطر که درس‌ها از صفحه چپ شروع شود. این کار به نظر ضروری نمی‌آید.

۵- در بعضی از تمرین‌های صرف و نحو معمولاً خواسته می‌شود که تغییراتی از قبیل حذف یا اضافه کردن انجام گیرد و مورد سؤال جملات روزمره است و از آیه‌های قرآنی و حدیث‌ها و روایت‌های نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل‌بیت (ع) نمی‌باشد، نویسندگان محترم این قاعده کلی را رعایت کرده‌اند بجز در صفحه ۶۹ تمرین الف شماره‌های ۱ تا ۵. امید است در چاپ‌های بعدی با تغییر این تمرین بر غنای کتاب بیفزایند.

از دیگر اشکالات کتاب، نبود رویه مناسب در ارائه اسنادها و ارجاع‌هاست و همچنین استفاده نکردن از پرازنترهای گلدار که نشانه

در صفحه ۶، قسمت «پ» تطبیق، در جمله «استنزلوا الرزق بالصدقه» (نهج البلاغه، ۱۳۷) فعل «استنزلوا» بدون اعراب‌گذاری نوشته شده است. در قسمت جواب آورده شده که فعل امر مبنی بر ضم است که خود جای بحث است. اگر در جواب، فعل را به شکل امری و مبنی بر ضم بخوانیم اشتباه است. همچنین اگر به شکل فعل ماضی خوانده شود معنای آن با توجه به حکمت نهج البلاغه درست نیست. نبود اعراب‌گذاری در بعضی از جملات این اشکال را در پی دارد.

و اعراب آن محلاً منصوب است. همچنین در صفحه ۶۷، ستون ۱ تطبیق، سطر ۵ در مورد فعل «یتهی» و سطر ۱۷، در مورد فعل «یشفی» منصوب به فتحه مقدره درست است و اعراب آنها محلاً منصوب است.

- در صفحه ۷۴، تطبیق ۱، قسمت «ب»، در جمله «ما اهد أقرب إلی منک»، «أقرب» صحیح است.

- در صفحه ۸۳، در بحث صفت اسم لای نفی جنس پراکندگی در بیان موضوع و عدم هماهنگی در مثال و قاعده وجود دارد.

- در صفحه ۸۵، ستون اول تطبیق، سطر ۱۲، در جمله «لاطیب ألسنان عندنا» طیب اسم لای نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب دانسته شده که درست آن «اسم لای نفی جنس و منصوب» است.

- در صفحه ۸۶، ستون اول تطبیق ۲، سطر ۴، در جمله «فلا رفث و لافسوق و لاجدال فی الحج»، «لا» در «لافسوق» عطف گرفته شده. بهتر آن است که لای زائده برای تأکید گرفته شود.

- در صفحه ۸۶، ستون ۲ تطبیق ۲، سطر ۴، در جمله «قالوا لاضیر إنا إلی زینا منقلبون» یک بار «إلی زینا» و یک بار «منقلبون» را خبر «إن» دانسته‌اند در صورتی که «منقلبون» خبر است.

- در صفحه ۸۷، ستون اول تطبیق ۲، سطر ۱۲، «سی» در مثال: «أحبُّ الکتب لاسیما کتب الأدب» اسم لای نفی جنس و معرب است چون «ما» در لاسیما موصول گرفته شده و مضاف الیه است ولی در کتاب مورد بحث مبنی بر فتح عنوان شده است.

- در صفحه ۱۰۳، ستون دوم تطبیق، سطر ۷ در جمله «أعطیت الکتاب صاحبه» «صاحب» مفعول دوم گرفته که درست آن مفعول به اول است.

- در صفحه ۱۱۸، ستون دوم تطبیق ۱، سطر اول، در عبارت «جاء القائد الفاتح البلد»، «البلد» مفعول برای «القائد» به حساب آمده که درست آن مفعول به «الفاتح» است.

- در صفحه ۱۱۹، ستون اول تطبیق ۱، سطر ۵، در جمله «هذا حصان اکل تبناً» «تبناً» منصوب است ولی آن را مرفوع دانسته‌اند و همچنین در همین صفحه ستون ۲ تطبیق ۱، «الجاهلون» مرفوع به واو است که مرفوع به ضمه ذکر شده است.

- در صفحه ۱۳۹، تمرین ث، از فراگیر خواسته شده که جملات را اعراب‌گذاری کند، و این در حالی است که تمام تمرین

ارجاع به آیات قرآنی است. اشکالات اعراب‌گذاری و جابه‌جایی حرکات و علائم و نمونه‌های دیگر از جمله رخدادهای نامیمونی است که از اعتبار علمی کتاب می‌کاهد به بعضی از این موارد در زیر اشاره می‌شود.

- در صفحه ۶، قسمت «پ» تطبیق، در جمله «استنزلوا الرزق بالصدقه» (نهج البلاغه، ۱۳۷) فعل «استنزلوا» بدون اعراب‌گذاری نوشته شده است. در قسمت جواب آورده شده که فعل امر مبنی بر ضم است که خود جای بحث است اگر در جواب، فعل را به شکل امری و مبنی بر ضم بخوانیم اشتباه است. همچنین اگر به شکل فعل ماضی خوانده شود معنای آن با توجه به حکمت نهج البلاغه درست نیست. نبود اعراب‌گذاری در بعضی از جملات این اشکال را در پی دارد.

- در صفحه ۱۱، ستون دوم تطبیق، سطر ۴، «یعلمون» را فعل مضارع، معرب مرفوع به ضمه دانسته‌اند ولی مرفوع به ثبوت نون درست است.

- در صفحه ۱۶، قسمت بیان، سطر ۶، فعل «لیخس» را مبنی بر حذف حرف عله گرفته‌اند، در صورتی که فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله است و همچنین در صفحه ۴۶، ستون اول تطبیق، سطر ۱۲، فعل «لم یکن» را مبنی بر سکون دانسته‌اند در صورتی که این فعل، مضارع مجزوم است.

- صفحه ۱۷، ستون اول تطبیق، سطر ۷ و ۸، فعل «کلوا» و «اشربوا» مبنی بر ضم دانسته شده که مبنی بر حذف نون است.

- صفحه ۵۳، ستون دوم تطبیق، سطر ۲، کلمه «بیروت» مجرور به اعراب فرعی است در حالی که آن را مجرور به حرف جر دانسته‌اند.

- در صفحه ۵۵، ستون اول تطبیق، سطر ۸، در جمله «أیقنت أن ستنجح» «أن» را غیر عامل دانسته‌اند. در صورتی که با توجه به توضیحات همان صفحه و بعد از آن «أن» عامل است.

- در صفحه ۶۶، ستون اول تطبیق، سطر ۴، فعل مضارع «ینقضی» را در عبارت «کاد النهار ینقضی» فعل مضارع تقدیراً مرفوع دانسته‌اند در حالی که این فعل، مضارع مرفوع به ضمه مقدر



# شرح کاربرد جزایان عربی

اعراب‌گذاری شده است.

- در صفحه ۱۴۵، سطر اول، «ضرباً للصلی» درست است که به اشتباه «ضرباً للصلی» آمده است.

- در صفحه ۱۴۵، در قسمت «پ» تطبیق، جمله «ساعنی إكرامك الكثير عدو أخی» مصدرعامل دانسته شده، که با استناد به کتاب النحو الوافی ۳: ۲۱۶ و مبادی العربیه ۴: ۲۵۷ در این مثال مصدر عمل نمی‌کند.

- در صفحه ۱۵۲ عنوان شده است که متعجب‌منه حتماً باید معرفه باشد اگر نکره آمد لازم است با داشتن صفت تخصیص داده شود ولی در نمونه قسمت ج صفحه ۱۵۱ جمله «أخسین بصدق» قاعده نقض شده است.

- در صفحه ۱۵۲ از سطر ۹ به بعد غلط تأییدی فراوان یافت می‌شود. توجه نویسندگان محترم را به این صفحه جلب می‌کنیم. از آن قبیل است: زبیه، دحرج، حمز، حسن و...

- در صفحه ۱۵۴، ستون اول تطبیق، سطر اول، در جمله «أكرم بها أرضا» فاعل أكرم ضمیر مستتر «انت» گرفته شده است که درست آن جار و مجرور در محل رفع فاعل آن است.

- در صفحه ۱۵۵، تمرین الف، شماره ۳، جمله «إهانه سعيد خالد رذيله» درست آن چنین است «إهانه سعيد خالد رذيله»

- در بعضی از درس‌ها شکل کاربردی در آموزش قواعد فراموش شده است. جا دارد نویسندگان محترم در موارد زیر به آموزش کاربردی آن توجه کنند به عنوان نمونه می‌توان به بحث توابع منادی صفحه ۱۹۰، حذف عامل مفعول مطلق صفحه ۲۱۳، و جانشین مفعول مطلق صفحه ۲۱۴، و بحث مجرور به مجاوره ص ۳۴۲، و درس حال از ۲۶۸ تا ۲۷۸ اشاره کرد.

- در صفحه ۲۱۷، ستون دوم تطبیق ۱، سطر ۷، در جمله «أكلت كثيراً» اعراب کثیراً جانشین مفعول مطلق است که مفعول مطلق به حساب آورده شده و چنین است در صفحه ۲۱۸، ستون ۲ تطبیق ۱، سطر ۲.

- در صفحه ۲۳۷، قسمت ث، با توجه به توضیحات سطر ۶ که علت عدم انجام کار موردنظر است جمله باید به شکل منفی نوشته شود: «ما انا قادم طلباً لجدواك»

- در صفحه ۲۳۸ در تعریف مفعول له، قلبی بودن مصدر مطرح نشده است.

- در صفحه ۲۴۵ در بحث مفعول فیه اگر این دو اسلوب پر کاربرد «كيف انت و النحو» و «ما أنت و الطب» آورده می‌شده بحث کامل‌تر می‌شد.

- در صفحه ۲۵۴، سطر ۱۷، چنین آمده است: «... هرگاه مستثنی تام، متصل، ولی منفی است، در مورد اعراب مستثنای متصل تام منفی، دو حالت جایز است: ۱. نصب مستثنی ۲. رفع مستثنی به عنوان بدل از مستثنی منه» در حالی که در قسمت دوم باید نوشته شود «بدل از مستثنی منه».

- در صفحه ۲۵۵، سطر ۱۳، در بحث «خلا و عدا و حاشا» آمده است که اگر پس از آنها منصوب باشد فعل بدون فاعل هستند. با توجه به کتاب مبادی العربیه، فاعل آنها ضمیر مستتر برخلاف اصل است. باز در همین صفحه «ما» در «ماخلا و ماعدا و ما حاشا» زائد گرفته شد که اجماع علمای نحو بر مصدری بودن آن است، و کلمه بعد از «ما» فعل شمرده می‌شود چرا که «ماء» زائده بر حروف وارد نمی‌شود و همچنین اسم بعد از آن مستثنی گرفته شده که مفعول گرفتن آن درست‌تر است (رک. مبادی العربیه، ج ۴: ۳۲۵).

- در صفحه ۲۵۶، بحث لاسیما، ناقص مطرح شده است اگر کامل و در جدولی آورده می‌شد تدریس آن راحت‌تر می‌بود.

- یکی دیگر از اشکالات کتاب به چگونگی تدریس مبحث حال بازمی‌گردد. اختصاص ۳۰ صفحه به بحث حال و آن هم پشت سر هم بدون تمرین و تطبیق، تدریس را با مشکل روبه‌رو می‌کند. این در حالی است که میانگین صفحات درس‌های قبل و بعد آن ۱۰ صفحه است. پیشنهاد می‌شود این درس در دو قسمت، زیر عنوان «حال ۱» و «حال ۲» مطرح شود، در درس اول بحث‌هایی چون حال مفرد و جمله، صاحب حال، مطابقت حال با صاحب حال، معرفه و نکره بودن حال، و جامد و مشتق بودن آن با روش حاکم بر کتاب مطرح شود، و در درس دوم مطالب عامل حال، حذف حال و ذوالحال و عامل، تقدیم و تأخیر ذوالحال و عامل، و رابط حال مطرح شود، البته همراه با مثال‌های جدید و امروزی و پرهیز از مثال‌های بحث برانگیز که هنوز نحویان بر سر آن به توافق نرسیده‌اند مانند «اشتریت الساعة فضة» و این در حالی است که اشکالات مثال‌های موجود در کتاب بر خواننده پوشیده نیست.

- در صفحه ۳۴۰، «کاف» را از حروف جر شبه زائد گرفته‌اند.



شده است.

هـ در صفحه ۱۲۲، تمرین الف، شماره ۵، کلمات قصار ۷۷ است که خطبه ۷۷ درج شده است.  
و. در صفحه ۱۴۰، تمرین پ، شماره ۳، حکمت ۳۳۳ است که حکمت ۳۹۷ درج شده است.

- در صفحه ۲۰۰ قسمت تطبیق لام بر سر مستغاث زائد دانسته شده است که صاحب النحو الوافی بر این باور است که اصلی است، و اصلی بودن آن به صحیح نزدیک‌تر است. (۴: ۷۷)  
- استفاده کردن از حروف الفبای فارسی در تقسیم‌بندی جملات در نمونه‌ها و تمرین‌ها از دیگر اشکالات کتاب می‌باشد، حال آنکه استفاده از حروف ابجدی مرسوم و معمول است.

#### پی‌نوشت:

\* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز

#### منابع و مأخذ

- ۱- حسن، عباس. (دون السنه) النحو الوافی. ط ۴، القاهرة: دارالمعارف بمصر.
- ۲- ریاحی‌زمین، زهرا و میرقادری، سید فضل‌الله. (۱۳۸۴) قواعد کاربردی زبان عربی. چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۳- الشرتونی، رشید. (دون السنه) مبادئ العربیة. الطبعة الحادية عشرة، بیروت: منشورات المطبعة الكاثولیکية.
- ۴- قدوری الحمد، غانم. (۱۴۰۲ هـ ق) رسم المصحف. ط ۱، اللجنة الوطنية للاحتفال بمطلع القرن الخامس عشر الهجری، العراق: بغداد.

این در حالی است که کتاب‌های صرفی و نحوی مهم به آن اشاره‌ای نکرده‌اند، بهتر این بود که به مرجع این مدعا اشاره می‌شد. در همان صفحه در بحث متعلق جار و مجرور در سطر ۳ کلمه «وجوباً» نیز از قلم افتاده است.

- در صفحه ۳۴۳، «کاف اسمی» کاربردی نیست، بهتر است به جای آن «کاف زائد» آورده شود.

- چنانکه در پیش گفته شد کتاب دارای کتابنامه‌ای است که منابع و مأخذ این اثر در آن آورده شده است. به نظر می‌رسد این قسمت از دقت و تیزبینی لازم برخوردار نیست. در متن کتاب، بعضی از مأخذ و منابع ذکر شده‌اند در حالی که نام و نشان آنها در فهرست نیامده است. از این قبیلند: لامیة العجم مؤیدالدین طغرائی، غررالحکم، تحف العقول، بحارالانوار، کنز العمال، دیوان امری، القیس، تنبیه الخواطر سهروردی، دیوان زهیرین ابی سلمی، قطوف مختاره، بئینه، کلیات سعدی، دیوان متنبی.

- در نوشتن نشانه‌های تاریخ هجری شمسی و قمری رویه ثابتی وجود ندارد.

- در پارهای صفحات شماره آیه یا شماره جمله نهج‌البلاغه یا به اشتباه درج شده یا به آن اشاره‌ای نرفته است به چند مورد اشاره می‌شود:

- الف. در صفحه ۶۲ سطر ۱۶، شماره آیه «الانعام / ۴۵۱» است که درج نشده.
- ب. در صفحه ۳۵، در پاورقی شماره آیه اول «الاعراف / ۲۶» و آیه دوم «الحاقه / ۱» است.
- ج. در صفحه ۴۸، تمرین الف، شماره ۳، حکمت ۱۷۳ است که ۱۷۲ درج شده است.
- د. در صفحه ۶۲ سطر ۱۶، شماره آیه ۵۴ است که ۴۵ درج